

## ارتباط معنا و سبک زندگی در گستره قرآن کریم و نقد دیدگاه ویکتور فرانکل

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۰۸

محمد عجمین<sup>۱</sup>، ابوالقاسم بشیری<sup>۲</sup>، رحیم نارویی نصرتی<sup>۳</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط معنای زندگی با سبک زندگی از نگاه قرآن کریم و نقد دیدگاه ویکتور فرانکل، انجام شد. روش این پژوهش در متون دینی، روش اجتهادی بوده و در بررسی دیدگاه فرانکل از روش تحلیل محتوا استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که معنای زندگی از دیدگاه قرآن کریم دارای سه مؤلفه شناختی، نگرشی و انگیزشی است. ارتباط این معنا با شاخص‌های سبک زندگی، در چهار محور ارتباط با خود، ارتباط با خدا، ارتباط با انسان‌های دیگر و ارتباط با طبیعت، حیطه سبک زندگی اسلامی را نشان می‌دهد. معنای زندگی از دیدگاه فرانکل بر دو مؤلفه شناختی و رفتاری استوار است. در دیدگاه وی ارتباط معنای زندگی و سبک زندگی با نفعی سبک‌هایی همچون لذت‌طلبی، سبک زندگی مبتنی بر توجه به بیرون از خود را تأیید می‌کند. این دیدگاه علاوه بر اشکالاتی در مبنای انسان‌شناسانه، در چیستی و چگونگی کشف معنا و ارتباط آن با سبک زندگی نیز مورد نقد است.

**واژگان کلیدی:** زندگی، معنای زندگی، سبک زندگی، قرآن کریم.

۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، مؤسسه آموزشی-پژوهشی امام خمینی قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول)  
Email: Ajamein1366@chmail.ir

۲. دکتری روان‌شناسی، استادیار و عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی قم، قم، ایران.  
Email: bashiri@qabas.net

۳. دکتری روان‌شناسی، استادیار و عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی قم، قم، ایران.  
Email: rnarooei@yahoo.com

## ۱. مقدمه

سبک زندگی کلیتی بی همتا است که همه فرایندهای عمومی زندگی را دربرمی گیرد و اصطلاحی است که برای اولین بار در روان شناسی توسط آلفرد آدلر مطرح شد. سبک زندگی، رفتارهای روزمره انسان نیست، بلکه ساختی شناختی است که اهداف، آرمان ها و اندیشه های فرد درباره دنیا را بازنمایی می کند (آدلر، ۱۹۵۶؛ پروچاسکا، ۱۹۷۰ و نورکراس، ۱۳۹۱). پس از آدلر، پیروان او چون کرت آدلر<sup>۲</sup>، لیدا سیچر<sup>۳</sup>، الکساندر مولر<sup>۴</sup> و سوفیا دوریس<sup>۵</sup> به تفصیل این مفهوم را مورد بررسی و واکاوی قرار دادند. سبک زندگی همچنین یکی از مؤلفه های مهم اثربخشی در پژوهش های بسیاری مورد توجه قرار گرفته است که می توان به بررسی ارتباط سبک زندگی با اختلالات روان شناختی (تایرا، ۲۰۰۲؛ سووازونو، ۲۰۰۳؛ دیگران، ۲۰۰۳؛ نوریه گا<sup>۶</sup>، ۲۰۰۴؛ پولادفر، و احمدی، ۱۳۸۵)، رضایت زناشویی (آقای، ۲۰۰۷ و ملکیور، ۱۳۸۳)، امید (میلر، ۲۰۰۳؛ دیگران، ۱۹۸۶)، افسردگی (کردال، ۱۹۷۵) و مصرف مواد مخدر (کوکوی، ۲۰۰۷؛ دیگران، ۲۰۰۷؛ آقاییوسفی، ۲۰۰۷؛ دیگران، ۱۳۹۲) اشاره کرد.

با وجود جایگاه والای سبک زندگی در دین اسلام، پژوهش های اندکی در مورد آن صورت گرفته است. کاویانی (۱۳۹۲) با استخراج مؤلفه های سبک زندگی تجویزی اسلام، آزمونی را برای سنجش سبک زندگی فردی از منظر دین ساخته است. همچنین پژوهش هایی چون رابطه سبک زندگی اسلامی با شادکامی (کجاف، ۲۰۰۷؛ دیگران، ۱۳۹۰)، ارتباط آموزش سبک زندگی اسلامی با صمیمت زوجین (رضایی، ۲۰۰۷؛ دیگران، ۱۳۹۲) و جایگاه صله رحم در سبک زندگی اسلامی (شرف الدین، ۱۳۹۴) انجام گرفته است.

یکی از عناصر اصلی سبک زندگی که آدلر نیز بدان اشاره کرده است، هدف و اندیشه های فرد درباره دنیاست. این مفهوم با مفهوم معنای زندگی بسیار نزدیک است. معنای زندگی توجه به سؤالی بنیادی است که ممکن است برای هر انسانی به وجود آید. سؤال از اینکه

1. Alfred Adler
2. Kurt Adler
3. Lida Sicher
4. Alexander Moller
5. Sophia De Vries
6. Taira, K
7. Suwazono
8. Noriega, M
9. Kokkevi, A. E.

برای چه باید زندگی کرد و همه سختی های آن را تحمل شد. (آذربایجانی، شجاعی، ۱۳۹۳)

معنای زندگی در روانشناسی، برای اولین بار توسط ویکتور فرانکل مطرح شد. وی با انتخاب واژه یونانی لوگوس که به معنای «معنا» است، روش جدید درمانی را بر پایه معنای زندگی ابداع نمود. وی معتقد است که معنای زندگی مفهوم انتزاعی عام یا امری مشخص و استاندارد شده ای نیست. معنای زندگی هر کس یعنی، رسالت و وظیفه مخصوصی که در زندگی دارد؛ وظیفه ای که در حد توانایی های او معین شده است (بافرانی، و آذربایجانی، ۱۳۹۰).

هرچند این مفهوم توسط فرانکل مطرح شد، اما می توان ریشه های معنای زندگی را در نظریات روانشناسان مختلفی مثل فروید، یونگ، آدلر، اریک فروم، اسکینر، آلپورت، راجرز، مزلو، می، ایس و بک یافت. همچنین مطالعات دیگری ارتباط بین معنای زندگی با اختلالات روانی مانند اضطراب و افسردگی (دیباتس<sup>۱</sup>، لابی<sup>۲</sup>، وویزمن<sup>۳</sup>، ۱۹۹۳؛ کرومباخ<sup>۴</sup>، ۱۹۶۸)، لذت بردن از کار (چامبرلین<sup>۵</sup>، و زیکا<sup>۶</sup>، ۱۹۸۸؛ بونی برایت<sup>۷</sup>، کلی<sup>۸</sup>، وانکین من<sup>۹</sup>، ۲۰۰۰)، شادی (دیباتس<sup>۱۰</sup>، و دیگران، ۱۹۹۳)، احساس خودکارآمدی (دیویتس<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۳) و بهزیستی ذهنی (لواسانی، و دیگران، ۱۳۹۲) را بررسی کرده اند.

معنای زندگی که پاسخی به سؤال علت وجودی انسان یا جهان و همچنین رسالت و وظیفه ای که انسان در این جهان به دوش دارد، است، در دین اسلام جایگاه والایی دارد و در آیات متعددی مورد توجه قرار گرفته است. (رک: ذاریات: ۵۶) فلسفه اسلامی پیش از روان شناسی به این موضوع توجه کرده و اندیشمندانی چون فارابی، ملاصدرا، ابن سینا و علامه طباطبایی در آثار خود به این موضوع پرداخته اند. همچنین پژوهش هایی با موضوع بررسی تطبیقی میان فلسفه اسلامی و غربی (سلیمانی امیری، ۱۳۸۲؛ کریمی قدوسی، و علی زمانی، ۱۳۹۰؛ ایراندوست، ۱۳۹۱) صورت گرفته است. در میان روان شناسان مسلمان، شجاعی و همکاران (۱۳۹۱) معنای زندگی را بر اساس نهج البلاغه مورد بررسی قرار داده اند. جلالی تهرانی (۱۳۸۳) با

1. Debats, D. L
2. Lubbe, P. M
3. Wezman, F
4. Crumbaugh, J
5. Chamberlain, K
6. Zika, S
7. Bonebright, C. A
8. Clay, D. L
9. Ankenmann, R. D
10. Debats, D. L
11. Dewitz, M. A

ابداع شیوه جدید درمانی با عنوان «توحید درمانی»، نقش معنای زندگی در درمان را مهم قلمداد کرده است. قدیری (۱۳۸۸) نیز با بررسی معیارهای موجود در آیات و روایات در رابطه با هدف زندگی از دیدگاه اسلام، آزمونی را با عنوان «آزمون هدف زندگی» طراحی کرده است. همان طور که بر اساس تعریف آدلر از سبک زندگی، معنای زندگی عنصری مهم و تعیین کننده در سبک زندگی شناخته می‌شود، پژوهشگرانی که به مسئله سبک زندگی اسلامی پرداخته اند از جمله کاویانی (۱۳۹۰) و ساجدی و خطیبی (۱۳۹۲) در شاخص های سبک زندگی اسلامی به مسئله معنای زندگی توجه کرده اند. کاویانی (۱۳۹۲) در تبیین رابطه بین معنای زندگی و سبک زندگی می‌گوید: «معنای زندگی می‌تواند به صورت نخ تسبیحی در سبک زندگی اسلامی باشد». وی معتقد است رابطه محکم و غیر قابل انکاری بین معنای زندگی و سبک زندگی وجود دارد. هرچند بررسی این رابطه را کاری سخت می‌داند (کاویانی، ۱۳۹۲). در آیات و روایات نیز شواهدی بر وجود رابطه بین سبک زندگی و معنای زندگی وجود دارد. چنانچه قرآن کریم آثار انتخاب هدف زندگی در زندگی دنیوی و اخروی را تبیین کرده است (رک: اسراء: ۱۸ و ۱۹) و ویژگی های اهل دنیا و آثار دنیا طلبی در زندگی آنها را بیان می‌کند (رک: نجم: ۲۹). در روایات نیز اهل دنیا و اهل آخرت توصیف و چگونگی زندگی آنها تبیین شده است و حتی سبک عبادت و بندگی اهل آخرت را نیز یکسان ندانسته و آن را بر اساس معنایی که از بندگی دارند به انواعی تقسیم کرده اند (رک: نهج البلاغه).

این پژوهش در صدد پاسخ به این سؤال است که معنای زندگی از نگاه منابع اسلامی دارای چه مؤلفه هایی است و چه نقشی در سبک زندگی اسلامی دارد؟ همچنین بر اساس دیدگاه برگرفته از قرآن کریم، چه اشکالاتی در دیدگاه فرانکل در این زمینه وجود دارد؟ بدیهی است شناخت این ارتباط از نگاه قرآن کریم برای شکل گیری سبک زندگی اسلامی اهمیت دارد و نقد دیدگاه فرانکل که اولین و مهم ترین نظریه پرداز در حوزه معنای زندگی است، به استحکام و اتقان بحث کمک خواهد کرد.

## ۲. شیوه اجرای پژوهش

### ۲-۱. روش اجتهاد دینی

بررسی معنای زندگی در منابع اسلامی و ارتباط آن با سبک زندگی با روش اجتهاد دینی

انجام شد. اجتهاد دینی روشی است که با استفاده از ابزار و عناصر لازم به تفهیم، اکتشاف و استخراج مطلق آموزه‌های دین از منابع معتبر، به گونه‌ای که از اعتبار برخوردار باشد، می‌پردازد. (علی پور، و حسنی، ۱۳۹۰)

## ۲-۲. روش تحلیل محتوا

بررسی دیدگاه فرانکل در مورد معنای زندگی و ارتباط آن با سبک زندگی با روش تحلیل محتوا، انجام شد. طی این روش مقالات و کتاب‌های ویکتور فرانکل و دیگر افرادی که نقطه نظرات او را در مورد موضوع پژوهش جمع‌آوری کرده‌اند، مورد بررسی قرار گرفت. تحلیل محتوا به منظور توصیف عینی و کیفی محتوای مفاهیم به صورت نظام‌دار انجام می‌شود که محقق در چنین پژوهشی به دنبال تجزیه، تحلیل و توصیف مطالب است. در تحلیل محتوا عناصر و مطالب مورد نظر، گردآوری و طبقه‌بندی می‌شود، سپس مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد (حافظ نیا، ۱۳۸۱).

## ۳. یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، ابتدا مؤلفه‌های معنای زندگی از متن قرآن کریم استنباط شد. سپس ارتباط این مؤلفه‌ها با سبک زندگی از نگاه قرآن کریم مورد بررسی قرار گرفت. در نهایت بر اساس نتیجه مباحث، دیدگاه فرانکل در مورد معنای زندگی و ارتباط آن با سبک زندگی مورد نقد و بررسی قرار گرفت.

### ۳-۱. معنای زندگی از نگاه قرآن کریم

مفهوم «زندگی» که در قرآن کریم با تعبیر «حیات» (رک: قصص: ۶۰) از آن نام برده شده است، کلیدواژه مهمی در فهم معنای زندگی است. بررسی آیات قرآن نشان می‌دهد که زندگی به سه معنا به کار رفته است. در دسته‌ای از آیات مراد از زندگی، حیات دنیاست (رک: بقره: ۲۱۲) که محدوده تولد تا مرگ را شامل می‌شود. دسته دیگر آیات حیات را به معنای زندگی پس از مرگ می‌داند (رک: عنکبوت: ۶۴). دسته سوم، زندگی برخی از انسان‌ها را مصداق حیات طیبه (رک: نحل: ۹۷) و زندگی بعضی دیگر را مصداق مرگ و ممات (رک: انعام: ۱۲۲) می‌داند. زندگی دنیوی در قرآن کریم در عین جالب و جذاب بودن (رک: حدید: ۲۰)، فریبنده (رک: آل عمران: ۱۸۵)، بازیچه

(ر.ک: انعام: ۳۲)، کالایی اندک (ر.ک: رعد: ۲۶) و زودگذر و فانی (ر.ک: کهف: ۴۵) توصیف شده و زندگی آخرت نیز با توصیفات نظیر زندگی حقیقی (ر.ک: عنکبوت: ۶۴)، خانه دائمی (ر.ک: غافر: ۳۹)، زندگی بهتر برای پرهیزکاران (ر.ک: یوسف: ۱۰۹) و فناناپذیر (ر.ک: اعلیٰ: ۱۷) تبیین شده است.

مفهوم دیگری که در بررسی معنای زندگی اهمیت دارد، هدف دار بودن و عبث نبودن زندگی دنیاست. در این مجموعه آیات، خداوند متعال از طرفی بر معناداری زندگی تأکید می‌کند (ر.ک: دخان: ۳۸ و ۳۹) و هرگونه بیهوده‌انگاری خلقت را امری باطل شمرده (ر.ک: قیامت: ۳۶) و کسانی را که بر این باورند، نکوهش می‌کند (ر.ک: ص: ۲۷) و از طرف دیگر، اهدافی را برای خلقت آفرینش بیان می‌کند. برخی از این آیات هدف از خلقت و آفرینش انسان را تعقل و اندیشه (ر.ک: غافر: ۶۷) و شناخت پروردگار عالم (ر.ک: طلاق: ۱۲) معرفی می‌کند. دسته دوم، هدف از خلقت این زندگی را آزمایش و امتحان انسان (ر.ک: ملک: ۲) بیان می‌کند. دسته سوم، هدف از خلقت انسان را در بندگی خداوند متعال (ر.ک: ذاریات: ۵۶) می‌داند و دسته چهارم، هدف از آفرینش را در بازگشت به سوی خدا (ر.ک: مؤمنون: ۱۱۵) و حساب و کتاب در جهان آخرت (ر.ک: جاثیه: ۲۲) برمی‌شمارد.

مفهوم سومی که در شناخت معنای زندگی انسان در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است، هدف زندگی است که از چهار دسته آیات برای شناخت این مفهوم استفاده شد. اول، آیاتی است که هدف بعثت انبیاء را بیان می‌کند؛ همان طور که شهید مطهری بیان می‌کند، هدف از بعثت انبیا با هدف از زندگی افرادی که انبیا برای آنها مبعوث شده‌اند، جدا نیست؛ زیرا انبیا مبعوث شده‌اند که بشر را به سوی هدف واقعی زندگی سوق دهند (۱۳۶۸). دوم، آیاتی است که به توصیف افرادی می‌پردازد که در مسیر رسیدن به هدف زندگی قدم برمی‌دارند. دسته سوم آیات نیز مربوط به کسانی است که از این مسیر منحرف شده‌اند و دسته چهارم از آیات، ویژگی‌های انسان‌هایی را بیان می‌کند که به هدف نهایی زندگی یعنی، خوشبختی، رستگاری و کامیابی دست یافته‌اند. اهدافی که براساس این مجموعه از آیات به دست می‌آید در جدول «شماره ۱» بیان شده است.

## جدول شماره ۱: هدف و مفاهیم و محورهای آن مطابق آیات قرآن

اهداف	محور آیات
بشارت و انداز (رک: انعام: ۴۸) ، تبیین (رک: ابراهیم: ۴) و ابلاغ (رک: عنکبوت: ۱۸) ، تزکیه و تعلیم (رک: بقره: ۱۵۱) ، دعوت به ایمان به خدا (رک: اعراف: ۱۵۸) ، دعوت به بندگی خدا (رک: نحل: ۳۶) و توحید (رک: انعام: ۶۲)	هدف بعثت انبیا
صبر (رک: بقره: ۱۵۵-۱۵۷) ، ایمان (رک: بقره: ۱۳۷) ، اسلام (رک: آل عمران: ۲۰) ، انعام: (۱۲۵) ، تقوا (رک: بقره: ۲-۵) و اطاعت از خداوند (رک: نور: ۵۴)	ویژگی های افراد در مسیر رسیدن به هدف زندگی
ترجیح دنیا بر آخرت (رک: ابراهیم: ۳) ، کفر (رک: نساء: ۱۳۶) ، نافرمانی از خدا و رسول خدا (رک: احزاب: ۳۶) ، انکار روز قیامت (رک: شوری: ۱۸) و هواپرستی (رک: قصص: ۵۰)	ویژگی های افراد منحرف از مسیر هدف زندگی
دوری از آتش جهنم و کسب بهشت جاویدان (رک: هود: ۱۰۵-۱۰۸) ، تقوا (رک: بقره: ۲-۵) ، امر به معروف و نهی از منکر (رک: آل عمران: ۱۰۴) ، سنگینی اعمال در روز قیامت (رک: مؤمنون: ۱۰۲) ، تبعیت از خدا و پیامبر (رک: نور: ۵۱) ، طلب رضایت خدا (رک: روم: ۳۸) ، دوستی و دشمنی در راه خدا (رک: مجادله: ۲۲) ، سخاوت (رک: حشر: ۹) ، تزکیه (رک: اعلی: ۱۴) و جهاد (رک: توبه: ۲۰)	ویژگی های افرادی که به هدف زندگی رسیده اند

بر اساس یافته های این پژوهش ، انسان از دیدگاه قرآن کریم موجودی تک ساحتی نیست ، بلکه علاوه بر بعد جسمانی ، دارای روحی است که زندگی او به این دنیا محدود نمی شود . زندگی در دنیا دارای مراتبی است . اولین مرتبه آن حیات نباتی است (رک: حدید: ۱۷) ؛ این مرتبه از حیات منحصر به تغذیه و رشد و نمو است که در تمام گیاهان نیز دیده می شود . مرتبه دوم ، حیات حیوانی است ؛ حیوانات با وجود آنکه در تغذیه و نمو با نباتات شریک اند ، به خاطر حرکت ارادی از آنها امتیاز دارند . انسان های بی ایمان نیز با اینکه در درک لوازم زندگی و داشتن حرکات ارادی با سایر حیوانات مشترک اند ، به دلیل قدرت فکر و تعقل ، حیاتی فوق حیات سایر حیوانات دارند (مکارم شیرازی ، ۱۳۷۴ ، ۲۷/۷ ، طباطبایی ، ۱۴۱۷ ، ۳۳۷/۷) . علامه طباطبایی به حیاتی مافوق حیات انسان های بی ایمان اشاره می کند و می فرماید:

باید حکم کنیم به اینکه انسان های با علم و ایمان و آن افرادی که پروردگار خود را شناخته و با شناختن او از غیر او قطع علاقه نموده اند ، دارای حیاتی فوق حیات سایر انسان ها هستند ؛ چون این گونه افراد نیز چیزهایی را درک می کنند که درک آن در وسع و طاقت دیگران نیست و چیزهایی را اراده می کنند که دیگران از اراده کردن آن عاجزند . خدای تعالی هم درباره آنان فرموده است: «او را به حیاتی پاک زنده می داریم» (نحل: ۹۷) و همچنین برای آنها روح مخصوصی اثبات کرده و فرموده است: «آنان کسانی هستند که خدا ایمان را بر صفحه دل هایشان نوشته و با روحی از ناحیه خودش آنها را تقویت فرموده است» (مجادله: ۲۲) . (طباطبایی ، ۱۴۱۷ ، ۳۳۷/۷)

بر اساس دیدگاه قرآن کریم، زندگی انسان با مرگ به پایان نمی‌رسد و حیات انسان پس از مرگ نیز ادامه دارد. البته ویژگی‌های زندگی پس از مرگ با زندگی دنیا متفاوت است. ویژگی مهم، زندگی پس از مرگ این است که محل استقرار انسان است (ر.ک: غافر: ۳۹) و هیچ مرگ و انتهایی ندارد (ر.ک: دخان: ۵۶). علاوه بر این، آخرت محلی برای رویارویی با نتیجه و جزای اعمال دنیاست (ر.ک: نساء: ۱۲۳) و هر کس اعمال بهتری داشته باشد و تقوای الهی پیشه کند، آخرت برای او بهتر خواهد بود (ر.ک: یوسف: ۱۰۹). (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲/۳۳۰)

از دیدگاه قرآن، این عالم برای هدفی آفریده شده است (ر.ک: ص: ۲۷). هدف آن نه سرگرمی و سرخوشی مثل بازی کودکان است (ر.ک: دخان: ۳۸) و نه به خود انسان وا گذاشته شده است (ر.ک: قیامت: ۳۶) بلکه امری فراتر از این دنیاست. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۲/۴۲). آیاتی که به تبیین هدف آفرینش پرداخته‌اند هر کدام به بعدی از ابعاد معنای زندگی اشاره دارد؛ برخی آیات هدف خلقت انسان را عبادت و بندگی خداوند متعال می‌داند (ر.ک: ذاریات: ۵۶). «عبد» از نظر لغت عرب به انسانی می‌گویند که سر تا پا تعلق به مولا و صاحب خود دارد، اراده‌اش تابع اراده او و خواستش تابع خواست اوست؛ در برابر او، مالک چیزی نیست و در اطاعت او هرگز سستی به خود راه نمی‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۲/۲۸۶). بنابراین، خدای تعالی انسان را آفریده و غایت و هدف نهایی از خلقتش را که همان سعادت او و منتهی درجه کمال اوست تقرب عبودی به درگاه خود قرار داده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲۰/۳۵۳).

از طرف دیگر انسان به خودی خود نه اقتضای سعادت دارد نه شقاوت و در بدو خلقتش نسبت به هر دو یک نسبت دارد؛ هم می‌تواند راه خیر و اطاعت را اختیار کند و هم راه شر، فساد و گناه را. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۲/۱۶۳) این نتیجه اراده و اختیار انسان در انتخاب مسیر پیش روست. به همین دلیل نظام سعادت و شقاوت و ثواب و عقاب بشر بر اساس قرآن کریم، مبتنی بر اساس امتحان و آزمایش است و خدای تعالی اگر آسمان‌ها و زمین را خلق کرد، برای این بود که انسان‌ها را بیازماید و نیکوکاران را از بدکاران مشخص سازد (ر.ک: ملک: ۲). بر این اساس، انبیای الهی در سایه وظیفه‌ای که با عنوان انذار و تبشیر (ر.ک: احزاب: ۴۵) و ابلاغ (ر.ک: نور: ۵۴) و تبیین (ر.ک: ابراهیم: ۴) دارند، موظف بودند، بندگان خدا را نخست به وجود خدا و روز قیامت آگاه کنند و سپس آنها را در مسیر ایمان به خدا (ر.ک: اعراف: ۱۵۸) و اطاعت از



فرامین او (ر.ک: نحل: ۳۶) به تزکیه و پاک شدن از معاصی راهنمایی کنند. این آگاهی بخشی در قرآن کریم با عنوان تعلیم و آن راهنمایی با عنوان تزکیه بیان شده است (ر.ک: جمعه: ۲). ویژگی هایی که قرآن کریم برای سعادت‌مندان و هدایت یافتگان می‌شمارد، منطبق بر همین دو وظیفه اصلی پیامبران است. در حقیقت کسانی که این ویژگی ها را در خود ایجاد کنند، به هدف نهایی انسان که همان سعادت و خوشبختی اوست، دست یافته‌اند.

البته مصداق سعادت و خوشبختی در قرآن کریم، منطبق با خواست فطری انسان مبنی بر دوری از آلام و کسب لذت‌های پایدار است. پس سعادت انسان در آخرت به همین است که به آنچه از لذایذ که در دنیا می‌خواست، برسد؛ چه خوردنی اش و چه نوشیدنی اش، چه لذایذ جنسی و چه لذایذی که در دنیا به تصورش نمی‌رسد و در عقلش نمی‌گنجد و در آخرت عقلش به آن دست می‌یابد و رسیدن به این لذایذ همان بهشت است و شقاوت نرسیدن به آن‌هاست که همان آتش است (ر.ک: هود: ۱۰۵-۱۰۸). (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۱۲/۳) البته کسانی که به درجات بالای ایمان دست یافته‌اند و بندگی آنها از روی محبت خداوند بوده است، لذتی بالاتراز لذات مادی را می‌توانند تجربه کنند و آن نعمت، رضایت خداوند که اندکی از آن از تمام نعمت‌های بهشتی بهتر و بالاتر است (ر.ک: توبه: ۷۲)، می‌باشد (طبرسی، ۱۳۷۲، ۶۹/۲).

براین اساس، معنای زندگی از نگاه قرآن کریم ترکیبی از شناخت، نگرش، باور درونی و انگیزش است. شناخت شامل شناخت خداوند (در جایگاه مبدأ عالم که یکی از اهداف خلقت جهان در قرآن معرفی شده است) و شناخت دنیا (یعنی، زندگی که انسان با شناخت حقیقت آن بتواند آن را معنادار کند) و شناخت آخرت (یعنی، منبعی زوال‌ناپذیر که با تکیه بر آن می‌توان معنای حقیقی زندگی دنیوی را یافت) است. نگرش و باور درونی از سویی با ایمان به خالق آسمان‌ها و زمین و فرستادگان او و روز قیامت و از سوی دیگر با عبودیت و تسلیم بودن در برابر خداوند و انگیزش به واسطه کسب لذایذ در بهشت و دوری از آتش جهنم و رسیدن به رضایت خداوند متعال شکل می‌گیرد.

بنابراین، می‌توان مؤلفه‌های معنای زندگی را در سه محور مؤلفه‌های شناختی (یعنی، مؤلفه‌هایی که شکل‌گیری معنای حقیقی زندگی متوقف بر شناخت آن‌هاست که شامل شناخت خدای متعال، شناخت دنیا و شناخت آخرت است)، مؤلفه‌های نگرشی (یعنی،

مؤلفه‌هایی که معناداری حقیقی زندگی برنگرش و باورهای درونی انسان به آنها صورت می‌گیرد و شامل ایمان به خدا، غیب، روز قیامت، پیامبران الهی و تصمیم بر اطاعت و بندگی خداوند متعال است) و مؤلفه‌های انگیزشی (یعنی، مؤلفه‌هایی که موجب ایجاد انگیزه برای رسیدن انسان به معنای واقعی زندگی می‌شود که شامل شوق برای رسیدن به بهشت و ترس از مبتلا شدن به آتش جهنم و میل به کسب رضایت خداوند است) خلاصه کرد.



### ۲-۳. ارتباط معنای زندگی و سبک زندگی از نگاه قرآن کریم

#### جدول شماره ۲: انواع سبک‌های رفتاری در زندگی مبتنی بر هدف زندگی

هدف سبک	نوع سبک
مبتنی بر هدف لذت	سبک رفتاری التذادی
مبتنی بر هدف مصلحت	سبک رفتاری تدبیری
مبتنی بر هدف آرمان‌ها و گرایش‌های عالی انسانی	سبک رفتاری آرمانی

بخش دیگر این پژوهش به ارتباط معنای زندگی و سبک زندگی از نگاه قرآن کریم اشاره دارد. این ارتباط از دو نظر قابل بررسی است؛ اول اینکه جهت‌گیری کلی سبک زندگی به طور کامل متأثر از هدفی است که انسان برای زندگی خود برمی‌گزیند (جدول «شماره ۱»).

شهید مطهری با تکیه بر منابع دینی سه نوع سبک رفتاری را براساس اهداف مختلف زندگی تبیین نموده است: سبک رفتاری التذادی که با تکیه بر هدف لذت های آنی شکل می گیرد؛ سبک تدبیری که براساس هدف مصلحت گرایی دنیایی بنا می شود و سبک آرمانی که انسان با هدف رسیدن به آرمان های مبتنی بر دین، سبک رفتاری خود را می سازد. (مطهری،

### جدول شماره ۳: تأثیر معنای زندگی بر شاخص های سبک زندگی

شاخص های سبک زندگی	آثار معنای زندگی بر سبک زندگی	نتایج رفتاری آثار معنا بر سبک زندگی
ارتباط انسان با خود	تزکیه نفس (ر.ک: طه: ۷۶؛ اعلی: ۱۴؛ شمس: ۹)	
	تفکر و تعلم (ر.ک: بقره: ۱۵۱)	
	حفظ سلامت جسمانی (ر.ک: اعراف: ۳۲)	
ارتباط انسان با خدا	اطاعت از خدا (ر.ک: انفال: ۲۰)	
	محبت خدا (ر.ک: بقره: ۱۶۵)	
	استعانت از خدا (ر.ک: حمد: ۵)	
ارتباط انسان با سایر انسان ها	دوستی و دشمنی در راه خدا	دوستی پیامبر (ر.ک: توبه: ۲۴) و اهل بیت (ر.ک: شوری: ۲۳)، مؤمنین (ر.ک: فتح: ۲۹)، پدر و مادر (ر.ک: اسراء: ۲۳-۲۴)، همسر و فرزند (ر.ک: مریم: ۲۱) و دشمنی نسبت به کفار (ر.ک: آل عمران: ۲۸)
	توجه به سعادت دنیوی دیگران	مسئولیت نسبت به شرایط اقتصادی خانواده (ر.ک: بقره: ۲۳۳) و جامعه (ر.ک: بقره: ۳)، مسئولیت در قابل جان (ر.ک: بقره: ۱۷۸) و مال (ر.ک: مائده: ۳۸) و آبروی افراد جامعه (ر.ک: حجرات: ۱۲)، مسئولیت در قابل امنیت جامعه اسلامی (ر.ک: انفال: ۶۰)
	توجه به سعادت اخروی دیگران	مراقبت از خانواده (ر.ک: تحریم: ۶) و جامعه در مقابل آسیب های فرهنگی (ر.ک: آل عمران: ۱۰۴) و ایجاد فضای اخلاقی در جامعه (ر.ک: نور: ۲۰-۳۱)
ارتباط انسان با طبیعت	بهره برداری صحیح از طبیعت (ر.ک: لقمان: ۲۰)	
	تفکر و تعقل در نشانه های الهی (ر.ک: بقره: ۱۶۴)	

دومین جنبه ارتباط معنای زندگی و سبک زندگی، تأثیر معنای زندگی بر شاخص های سبک زندگی است. این شاخص ها براساس چهار محور ارتباط با خود، خدا، سایر انسان ها و طبیعت قابل تقسیم است (جدول «شماره ۳»). براساس قرآن کریم، ایمان به خدا و تصمیم بر اطاعت و بندگی او که معنای زندگی دینی را شکل می دهد، ارتباط انسان را در

عرصه‌های مختلف متأثر می‌سازد و سبک زندگی دینی در حوزه فردی و اجتماعی را تبیین می‌کند. در جدول زیر بر اساس آیات قرآن کریم، به صورت مختصر سبک زندگی مبتنی بر معنای زندگی دینی مورد بررسی قرار گرفته است.

### ۳-۳. دیدگاه فرانکل در مورد معنای زندگی و ارتباط آن با سبک زندگی

بخش دیگر این پژوهش، به بررسی دیدگاه فرانکل در مورد معنای زندگی و ارتباط آن با سبک زندگی اختصاص دارد. فرانکل با رویکرد متفاوتی که نسبت به انسان دارد، برخلاف روان تحلیل‌گری فروید معتقد است که انسان نه تنها در انتخاب واکنش‌هایش نسبت به عوامل بیرونی آزاد است، بلکه در سخت‌ترین شرایط نیز اختیار خود را حفظ کرده و سرنوشت خود را انتخاب می‌کند. (فرانکل، ۱۳۷۲) وی احساس بی‌معنایی زندگی را نوروژ توده‌های عصر حاضر معرفی کرده و آن را خلأ وجودی نامیده است (فرانکل، ۱۹۷۲) و آن را متشکل از مثلث افسردگی، پرخاشگری و اعتیاد می‌داند (فرانکل، ۱۳۸۸).

فرانکل (۱۹۸۴) معناجویی را انسانی‌ترین نیاز انسان می‌داند و معنادرمانی را شیوه‌ای بر پایه معنای هستی‌آدمی و تلاش برای رسیدن به این معنا می‌داند. به اعتقاد وی انسان سالم، انسانی است که احساس خوشبختی و رضایت‌مندی از زندگی دارد، اما هدف او رسیدن به خوشبختی نیست. وی، خوشبختی را لذت بردن از زندگی تعریف نمی‌کند و معتقد است هدف قرار دادن لذت، نوعی تفکر بیمارگونه است: «یک انسان بیمار، کل معنای زندگی را در لذت، و هدف همه فعالیت‌های انسان را خوشبختی می‌داند» (فرانکل، ۱۳۷۲). او جستجو برای یافتن معنا را یک وظیفه واقعی انسان می‌داند. هرچند، این تلاش همیشه موجب تعادل نیست و ممکن است تنش‌زا باشد، همین تنش لازمه و جزء جدانشدنی بهداشت روان است (فرانکل، ۱۳۸۹).

فرانکل معتقد است که معنی هستی ما ساخته و پرداخته خود ما نیست، بلکه ما آن را جستجو یا کشف می‌کنیم. (فرانکل، ۱۳۸۹) این معانی را خود شخص باید جستجو و پیدا کند و کشف این معانی منحصر به فرد تا آنجا که در حوزه ادراک است، حتی در صورت از بین رفتن تمامی ارزش‌ها، امکان پذیر خواهد بود (فرانکل، ۱۳۸۸). از دیدگاه وی زندگی همانند وظیفه است و انسان باید از این وظیفه مسئولیت‌پذیری خود آگاه باشد (فرانکل، ۱۹۷۲).

وی بالاترین سطح مسئولیت پذیری را در افراد مذهبی مشاهده می‌کند و می‌نویسد:

انسان مذهبی با انسان غیرمذهبی، از این نظر اختلاف دارد که انسان باایمان می‌تواند وجود خود را نه مثل یک وظیفه بلکه به صورت یک رسالت تجربه کند؛ یعنی به وجود آنکه وظیفه را به او محول کرده است، یعنی منشأ رسالتش آگاه است. هزاران سال است که این منشأ وظیفه را خدا نام داده اند. (فرانکل، ۱۳۷۲)

فرانکل چنین معنایی را «ابر معنا» می‌نامد و معتقد است برای چنین ایمانی هیچ چیز بی معنا نخواهد بود. (فرانکل، ۱۳۷۲) وی سه راه برای کشف معنا معرفی می‌کند: انجام کاری ارزشمند؛ تجربه ارزش والا و تحمل درد و رنج. راه رسیدن به نخستین شیوه، یعنی راه کار و فعالیت، راهی است روشن و آشکار (فرانکل، ۱۹۷۲). البته او یادآور می‌شود که نوع و محتوای کاری که فرد انجام می‌دهد مهم نیست، بلکه شیوه انجام آن کار است که به زندگی معنا می‌بخشد (باقرانی، ۱۳۹۰). راه دوم یافتن معنای زندگی، تجربیات ارزشمند است؛ تجربیاتی مثل برخورد با شگفتی‌های طبیعت، فرهنگ و یا عشق؛ عشق تنها شیوه‌ای است که با آن می‌توان به اعماق وجود انسانی دیگر دست یافت. سومین راه برای رسیدن به معنی زندگی رنج است. انسان وقتی با وضعی اجتناب ناپذیر مواجه می‌گردد، این فرصت را می‌یابد که به عالی‌ترین ارزش‌ها و به ژرف‌ترین معنای زندگی یعنی رنج کشیدن، دست یابد. درد و رنج، بهترین جلوه‌گاه ارزش وجودی انسان است و آنچه اهمیت بسیار دارد، نوع نگرش فرد نسبت به رنج است و شیوه‌ای که این رنج را به دوش می‌کشد (فرانکل، ۱۹۷۲).

بر اساس آنچه در دیدگاه فرانکل بیان شد، مؤلفه‌های معنای زندگی عبارتند از: اعتقاد به معناداری زندگی، باور به آزادی انسان در تصمیم و اراده، باور به مسئولیت داشتن انسان در یافتن معنا، منحصر به فرد بودن معنا برای هر فرد، پرهیز از معناهای دروغین و محوریت کار، تجربه و رنج در کشف معنا. این مؤلفه‌ها را با یک دسته بندی بهتر می‌توان به دو محور کلی تقسیم بندی کرد: مؤلفه‌های شناختی شامل اعتقاد به معناداری زندگی، باور به آزادی اراده، باور به مسئولیت داشتن در کشف معنا، فهم اینکه معنا برای هر فردی منحصر به فرد است و پرهیز از معناهای دروغین؛ و مؤلفه‌های رفتاری که شامل یافتن معنا در سه موقعیت کار، تجربه و رنج است.

### جدول شماره ۴: مؤلفه های معنای زندگی در دیدگاه فرانکل

مؤلفه های رفتاری	مؤلفه های شناختی
کشف معنا از طریق کار و فعالیت	اصل معناداری زندگی
کشف معنا از طریق تجربیات ارزشمند	اصل آزادی اراده
کشف معنا از طریق رنج و سختی	شناخت معناهای دروغین زندگی
	مسئولیت داشتن در کشف معنا
	منحصربه فرد بودن معنا

ارتباط این مؤلفه ها با سبک زندگی در دیدگاه فرانکل با صراحت بیان نشده است، بلکه در ضمن بیان آثار و نتایج پوچی و معناداری زندگی می توان به این ارتباط دست یافت (جدول «شماره ۴»). به اعتقاد فرانکل سبک لذت طلبی، پول پرستی و قدرت پرستی، نتیجه ناکامی در یافتن معنا در زندگی است. وی همچنین با استناد به بررسی های انجام شده در دانشگاه ایالتی آیداهو (که در آن ۵۱ تا ۶۰ دانشجو (۸۵٪) به طور جدی اقدام به خودکشی کرده اند و دلیل این اقدام را بی معنایی زندگی ذکر کرده اند) سبک زندگی افسرده که خودکشی و کسالت به دنبال دارد را نیز از نتایج پوچی و بی معنایی زندگی معرفی می کند.

(فرانکل، ۱۹۷۲)

بزهکاری جوانان، اعتیاد به مواد مخدر و الکل نیز احساس پوچی به دنبال دارد که پژوهش ها نیز این نتیجه را تأیید می کند. باربر معتقد است که در بیشتر مواقع نبودن معنا و هدف در زندگی جوانان و نوجوانان بزهکار نمود دارد. همچنین در پژوهش پدلفورد (۱۹۷۴) که ۴۱۶ دانشجو شرکت داشتند، ارتباط معکوس معنی داری بین گرایش به مواد مخدر و هدف داری زندگی دیده شد. (فرانکل، ۱۹۷۲)

در مقابل، معناداری زندگی موجب می شود که انسان بجای توجه به وضعیت درونی، بیشتر متوجه جهان بیرون باشد. طبق دیدگاه فرانکل، انسان به هر نسبتی که از خود فارغ باشد، خود را تحقق می بخشد؛ فارغ شدن از خود به معنای خدمت به جبهه ای والاتراز خویشتن یا عشق ورزیدن به شخصی سوای خود است. طبق دیدگاه فرانکل گوهر هستی انسان از خود گذشتن است. (فرانکل، ۱۹۷۲) همچنین کنار آمدن با مشکلات و سختی های زندگی، ارتقای امید به زندگی و ترس نداشتن از مرگ از نتایج معناداری زندگی است.

### ۳-۴. نقد دیدگاه ویکتور فرانکل

نقد این دیدگاه در سه محور صورت می‌گیرد: نقد مبانی انسان‌شناسانه؛ نقد معنای زندگی و نقد ارتباط معنای زندگی و سبک زندگی. آنچه در این پژوهش اهمیت دارد، بررسی مبانی نظری مؤثر بر نظریه معنادرمانی فرانکل و مقایسه آن با مبانی دینی است. برخی از این مبانی مورد تأیید منابع اسلامی است؛ از جمله اصل آزادی اراده و اختیار، و منحصر نبودن انسان در قالب مادی و حیوانی از اصولی است که منابع دینی نیز بر آن تأکید دارد؛ البته ابعاد و گستره این مفاهیم در این دو دیدگاه تفاوت‌های زیادی دارند. در کنار این اشتراکات مبانی و اصولی نیز در دیدگاه فرانکل وجود دارد که با مبانی دینی ناسازگار است و آنها را می‌توان تفاوت میان این دو دیدگاه معرفی کرد.

یکی از مبانی مهمی که در نظریات فرانکل به وضوح قابل مشاهده است، باور به فرضیه تکاملی داروین است. وی در عبارات مختلفی به تنازع بقا و تکامل انسان از حیوان اشاره کرده است و یکی از عوامل ایجاد خلأ وجودی در عصر حاضر را تکامل انسان از حیوان معرفی می‌کند (فرانکل، ۱۳۸۹). این مبنا با دیدگاه قرآن که با صراحت خلقت انسان را از حیوان جدا معرفی می‌کند، منافات دارد. خداوند متعال به تفصیل در برابر سؤال فرشتگان الهی که علت خلق بشر را جویا می‌شوند، به آنها پاسخ داده و داستان خلقت آدم را شرح می‌دهد (ر.ک: بقره: ۳۰). اثر این باور این است که انسان به طور عام برای هدف خاصی آفریده شده است و از همان ابتدای پیدایش هدف و معنا داشته است، نه اینکه لازم باشد برای خود معنایی بترشد.

علاوه بر این، فرانکل با وجود آنکه به نقش مذهب در معنادهی به زندگی بسیار تأکید می‌کند، تصریح می‌کند که مفهوم مذهب در وسیع‌ترین معنای ممکن آن - به صورتی که در این دیدگاه مورد تأکید است - از مفاهیم و تعاریف محدود از خدا که توسط بسیاری از نمایندگان فرقه‌ها و نهادهای مذهبی ترویج و اعلام می‌گردد، فراتر می‌رود (فرانکل، ۱۳۷۵). این دیدگاه پلورالیستی هرگز مورد تأیید منابع اسلامی نیست. قرآن کریم با صراحت به لزوم اعتقاد به خداوند سخن می‌گوید و تمام ادیان و مذاهبی را که به بت پرستی و خرافه پرستی روی می‌آورند، نفی می‌کند (ر.ک: مائده: ۷۶). اسلام حتی ادیان الهی تحریف شده را نیز با صراحت رد

می‌کند و تنها دینی که انسان را به مقصد و هدف نهایی می‌رساند، اسلام معرفی می‌کند (رک: آل عمران: ۸۵)

همچنین فرانکل، دین را فقط به خاطر اثری واضح و روشن که بر سلامت انسان و معنایابی او دارد، پیشنهاد می‌کند و گرنه در عبارات مختلفی در اصل وجود دین و حتی اصل وجود خدا تشکیک می‌کند. در مقابل، قرآن کریم کسانی که خدا را پرستش می‌کنند مشروط به اینکه برای زندگی مادی آنها مفید باشد، نکوهش می‌کند (حج: ۱۱) و آنها را بندگان خدا نمی‌داند. در حقیقت نگاه قرآن کریم در راستای کشف واقعیت و حقیقت است و در مقابل نگاه پدیدارشناسانه فرانکل قرار دارد.

### جدول شماره ۵: نقد مبانی انسان‌شناسانه فرانکل بر اساس دیدگاه قرآن کریم

دیدگاه قرآن کریم	دیدگاه فرانکل
انسان به صورت دفعی و بدون سابقه قبلی خلق شده است.	نگاه تکامل‌گرایانه به هستی انسان
فقط دین اسلام انسان را به مقصد می‌رساند.	نگاه پلورالیستی به دین
دین، منطبق با واقع است چه به نفع زندگی مادی باشد، چه نباشد.	نگاه کارکردگرایانه به دین

محور دوم، نقد معنای زندگی از دیدگاه فرانکل است (جدول شماره «۵»). با وجود آنکه قرآن کریم اصل معناداری زندگی و کشف آن توسط انسان را تأیید می‌نماید، اما اشکالات قابل توجهی در دیدگاه فرانکل در مورد کشف معنای زندگی وجود دارد. به اعتقاد فرانکل (۱۹۸۴) معنای زندگی برای هر انسانی یکتا و ویژه شیوه تفکراوست و از کسی به کسی دیگر و از لحظه‌ای به لحظه دیگر تفاوت می‌کند؛ یعنی چیزی به نام «اراده» معطوف به معنای مشترک که به طور کلی به همه انسان‌ها تعمیم یابد، وجود ندارد. این دیدگاه، با مفهوم دین و معنای مبتنی بر دین منافات دارد؛ چراکه دین و معنای مبتنی بر دین حداقل میان پیروانش، مشترکات و یگانگی‌هایی دارد و به دلیل همین ویژگی‌های مشترک، قابل تعمیم به پیروان دین است (شرفی، ۱۳۸۴). از طرف دیگر، فرانکل معتقد است بررسی هدف خلقت و آفرینش انسان امری بیهوده است؛ زیرا همان‌گونه که حیوانات نمی‌توانند معنای زندگی انسان را بفهمند، انسان نیز نمی‌تواند از هدف و معنای خلقت شناخت پیدا کند (فرانکل، ۱۳۷۲). البته این دیدگاه او در صورتی صحیح است که ما وحی و ارتباط انسان با خالق آفرینش را نپذیریم، اما زمانی که پیش فرض‌های دین اسلام را پذیرفتیم این امر نیز پذیرفته است که



خالق جهان با انسان سخن گفته و هدف خود از آفرینش را تبیین نموده است. با توجه به این تفاوت ها روشن می شود که راه های کشف معنا در دیدگاه فرانکل نیز با رویکرد دینی سازگار نیست؛ زیرا کار و فعالیت نمی تواند منبعی برای معنای زندگی باشد، بلکه اینها نیز با قرار گرفتن در مسیر عبودیت معنا دار می شوند. ارزش های تجربی نیز تنها می تواند انسان را برای رسیدن به معنای زندگی حقیقی یعنی، عبودیت در برابر پروردگار کمک کند. عشق به همسر و فرزند، زیبایی های طبیعت و هنر و... فقط در صورتی ارزشمند خواهد بود که جلوه ای از نعمات پروردگار و مقدمه ای برای رسیدن به درجات بالای عبودیت باشد؛ چنانچه خداوند متعال هدف از سیر و گردش در زمین را مشاهده عاقبت تکذیب کنندگان خدا و پیامبران الهی (ر.ک: انعام: ۱۱) و چگونگی خلقت خداوند و شناخت وجود آخرت (ر.ک: عنکبوت: ۲۰) معرفی می کند.

فرانکل مهم ترین ارزش هایی که زندگی انسان را تا آخرین لحظه می تواند معنا دار کند، ارزش های نگرشی می نامد. این ارزش ها بر اساس نگرش انسان به رنج به دست می آید. بر اساس دیدگاه مبتنی بر وحی، خود رنج به تنهایی نمی تواند معنایی برای زندگی ایجاد کند، بلکه رنج و سختی در سایه بندگی خدا، معنا دار و قابل تحمل می شود. در قرآن کریم دو معنا برای وجود رنج و سختی در زندگی انسان بیان شده است: نخست، سختی ها و مشکلات وسیله ای برای آمرزش گناهان و مانعی برای فرورفتن در معاصی است (ر.ک: مؤمنون: ۷۵). بنابراین، انسان وقتی متوجه شود که این رنج سبب نزدیک شدن او به خداوند و مانع غفلت و گناه او می شود، با طیب خاطر آنها را تحمل می کند. دوم اینکه این رنج نمودی از آزمایش و امتحان الهی برای سنجش سطح پایداری انسان ها در مسیر عبودیت و بندگی خداست (ر.ک: بقره: ۱۵۵)، این سختی ها و مشکلات، فلسفه خلقت انسان بر روی زمین است؛ چراکه سختی ها ماهیت واقعی انسان ها را نشان می دهند و اگر نبودند انسان درستکار از بدکار قابل تشخیص نخواهد بود.

محور سوم نقد دیدگاه فرانکل، ارتباط معنای زندگی با سبک زندگی است. ارتباط معنای زندگی و سبک زندگی بر اساس منابع اسلامی، محدوده بسیار گسترده ای از زندگی انسان را در بر می گیرد؛ چراکه معنای زندگی مبتنی بر عبودیت، به معنای اطاعت از خداوند متعال

در تمام عرصه‌هایی است که به آن امر و نهی شده است. حتی در محدوده‌هایی که امر و نهی ای وجود ندارد، حکم به اباحه جاری می‌شود؛ یعنی اگر فرد خود را مختار به انجام یا ترک می‌بیند به این علت است که خداوند او را مختار قرار داده است. بنابراین، در این مورد هم در حال اطاعت از خداوند است. عبودیت سطوح مختلفی دارد و محدوده اثربخشی معنا بر زندگی حتی در پایین‌ترین سطح آن نیز، بسیار گسترده است؛ اما فرانکل با منحصر به فرد دانستن معنا نسبت به اشخاص و زمان‌ها سبب شد که مؤلفه‌های معنای زندگی از دیدگاه او اثربخشی محدودی در سبک زندگی فرد به جای بگذارد. مهم‌ترین نکته در دیدگاه فرانکل، نهایت تأثیری که معنای زندگی در سبک زندگی دارد، این است که انسان را از ورطه خودکشی، اعتیاد، پرخاشگری، کسالت، لذت‌طلبی و پول‌پرستی نجات می‌دهد و او را به سوی امید زندگی و توجه به عالم بیرون از خود سوق می‌دهد. این اثربخشی نمی‌تواند، سبک زندگی نهایی و غایی برای انسان باشد؛ زیرا حس کمال طلبانه انسان به این اندازه قناعت نمی‌کند و می‌خواهد به درجات بالاتری از کمال دست یابد. این نیاز درونی انسان در تعلیمات دینی مورد توجه قرار گرفته است. معنایی که بر اساس مبانی دینی برای زندگی تبیین شده است، انسان را به بالاترین حد کمال قابل تصور یعنی، مقام خلافت الهی (ر.ک: بقره: ۳۰) و بالاترین لذت‌ها یعنی، بهشت و رضایت پروردگار عالم (ر.ک: آل عمران: ۱۵) می‌رساند؛ این غایت با غایتی که معنادرمانی فرانکل برای انسان ارائه می‌دهد، قابل مقایسه نیست.

#### ۴. بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی معنای زندگی از نگاه قرآن کریم، ارتباط آن با سبک زندگی و سپس نقد دیدگاه فرانکل صورت گرفت. یافته‌های این پژوهش نشان داد که مؤلفه‌های معنای زندگی از نگاه قرآن کریم شامل مؤلفه‌های شناختی، انگیزشی و نگرشی است. مؤلفه‌های شناختی عبارتند از: شناخت خداوند متعال، شناخت دنیا و آخرت. مؤلفه‌های انگیزشی عبارتند از: میل به کسب لذت‌های بهشتی، میل به رهایی از عذاب جهنم و تمایل به کسب رضایت خداوند متعال. مؤلفه‌های نگرشی نیز شامل ایمان به خدا، غیب، پیامبران الهی و روز قیامت و تصمیم بر اطاعت و بندگی خداوند متعال است.

ارتباط معنای زندگی با سبک زندگی در دو محور بررسی شد: نخست، ارتباط هدف زندگی با جهت‌گیری کلی سبک زندگی که در این ارتباط سه نوع سبک التذادی، تدبیری و معطوف به آرمان بر اساس هدف‌های لذت، مصلحت و گرایش‌های والای انسانی و الهی تبیین شد. دوم، تأثیر معنای زندگی بر شاخص‌های سبک زندگی که در چهار شاخص ارتباط با خود؛ ارتباط با خدا؛ ارتباط با سایر انسان‌ها و ارتباط با طبیعت مورد بررسی قرار گرفت.

بر اساس یافته‌های پژوهش، مؤلفه‌های معنای زندگی از نگاه فرانکل دو بخش است: مؤلفه‌های شناختی و رفتاری. اصل معناداری زندگی، آزادی اراده، شناخت معناها، دروغین زندگی، مسئولیت داشتن در کشف معنا و منحصر به فرد بودن معنا مؤلفه‌های شناختی است و مؤلفه‌های رفتاری شامل کشف معنا با کار و فعالیت، کشف معنا با تجربه‌های ارزشمند و کشف معنا از طریق رنج است. ارتباط این مؤلفه‌ها با سبک زندگی در دو محور بررسی شد. ارتباط احساس پوچی با سبک زندگی که نتایجی همچون سبک‌های لذت‌طلبی، پول‌پرستی، قدرت‌پرستی، بزهکاری و افسردگی را در بردارد و ارتباط احساس معناداری زندگی با سبک زندگی که نتایجی مثل توجه انسان به بیرون از خود، کنار آمدن با مشکلات، امید به زندگی و ترس کمتر از مرگ را در بردارد.

براین اساس، این دو دیدگاه در سه محور قابل نقد است: نخست در مبانی انسان‌شناسانه مانند تکامل‌گرایی، پلورالیسم دینی و نگاه کارکردگرایانه به دین. دوم، نقد این دو دیدگاه در نوع معنای زندگی در آنها که اشکالاتی در شخصی یا نوعی بودن، واحد یا متکثر بودن و راه‌های کشف معنا است، بررسی شد. سوم، ارتباط معنای زندگی و سبک زندگی که محدوده اثربخشی معنا و سبک زندگی بر یکدیگر و نهایت ارتباطی که آنها بر یکدیگر دارند، مورد نقد و بررسی قرار گرفت.

#### فهرست منابع

\* قرآن کریم

\* نهج البلاغه

۱. آذربایجانی، مسعود، و شجاعی، محمدصادق (۱۳۹۳). روان‌شناسی در نهج البلاغه. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۲. آقاییوسفی، علیرضا، اورکی، محمد، احمدی ازغندی، علی، حسینایی، نوفرستی، اعظم (۱۳۹۲). سبک زندگی سوءمصرف‌کنندگان مواد و افراد بهنجار؛ یک مقایسه مبتنی بر آدلری نگری. *نشریه روان‌شناسی سلامت*، ۵ (۲)، ۶۲-۴۸.

۳. آقایی، اصغر، و ملک پور، مختار (۱۳۸۳). رابطه سبک زندگی و رضایت زناشویی در هنرمندان و مقایسه آن با افراد عادی. *نشریه دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۲۱ و ۲۲، ۱۶۰-۱۹۰.

۴. ایران دوست، محمدحسین (۱۳۹۱). نقد و بررسی معنای زندگی از منظر جولیان بگینی و صدراالمتالهین. *مقالات همایش بین‌المللی بزرگداشت روز جهانی فلسفه*.

۵. پروچاسکا، جیمز، و نورکراس، جان. سی (۱۳۹۱). *نظریه‌های روان‌درمانی*. تهران: انتشارات رشد.

۶. یولادفر، راضیه، و احمدی، سید احمد (۱۳۸۵). «رابطه بین سبک زندگی و اختلالات روان‌شناختی دبیران دوره متوسطه شهر اصفهان. *نشریه مطالعات روان‌شناختی*، ۲۱ (۲)، ۷-۱۸.

۷. جلالی‌تهرانی، سیدمحمدمحسن (۱۳۸۳). *توحید درمانی*. *نشریه نقد و نظر*، ۳۵ و ۳۶ (۹)، ۱۸-۳۴.

۸. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۱). *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*. تهران: سمت.

۹. حسنی بافرانی، طلعت، و آذربایجانی، مسعود (۱۳۹۰). انسان سالم و ویژگی‌های آن از دیدگاه ویکتور فرانکل. *نشریه روان‌شناسی و دین*، ۱۴ (۴)، ۱۱۳-۱۴۴.

۱۰. خطیبی، حسین، و ساجدی، ابوالفضل (۱۳۹۲). مروری بر شاخص‌های سبک زندگی اسلامی. *نشریه معرفت*، ۱۸۵ (۲۲)، ۱۳-۲۵.

۱۱. جواد، احمدی، سید احمد، اعتمادی، عذرا، رضایی، مریم، حسین‌آبادی، و شهردوست، مریم (۱۳۹۲). تأثیر آموزش سبک زندگی اسلام محور با تأکید بر نظام خانواده بر صمیمیت زوجین اراک. *نشریه مطالعات روان‌شناختی*، ۳ (۹)، ۷۹-۱۰۶.

۱۲. سلیمانی امیری، عسگری (۱۳۸۲). *پوچی پوچی: نقدی بر مقاله پوچی*. *نشریه نقد و نظر*، ۳۱ و ۳۲ (۸)، ۲-۴۳.

۱۳. شجاعی، محمدصادق، و غروی، سیدمحمد، و جان بزرگی، مسعود (۱۳۹۱). معنای زندگی در نهج البلاغه. *نشریه مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۱۱ (۶)، ۳۷-۵۷.

۱۴. شرف‌الدین، سیدحسین (۱۳۹۴). جایگاه صله رحم در سبک زندگی دینی. *نشریه پژوهش‌نامه اخلاق*، ۲۷ (۸)، ۸۳-۱۰۲.

۱۵. شرفی، محمدرضا (۱۳۸۴). تأملی نقدگونه در باب معنای غایی زندگی با تأکید بر دیدگاه ویکتور فرانکل. *نشریه روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ۷۰ (۳۵)، ۲۹-۵۰.

۱۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: انتشارات جامعه مدرسین.

۱۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات ناصرخسرو.

۱۸. علیپور، مهدی، و حسنی، سید حمیدرضا (۱۳۹۰). *یارادایم اجتهادی دانش دینی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۱۹. فرانکل، ویکتور (۱۳۷۲). *بیشک و روح*. مترجم: سیف بهراد، فرخ. تهران: انتشارات درس.

۲۰. فرانکل، ویکتور (۱۳۸۸). *فریاد ناشنیده برای معنی*. مترجم: تهریزی، مصطفی، و علوی‌نیا علی. تهران: نشر فراروان.

۲۱. فرانکل، ویکتور (۱۳۸۹). *انسان در جستجوی معنا*. مترجم: صالحیان، نهضت، و میلانی، مهین. تهران: نشر درس.

۲۲. فرانکل، ویکتور (۱۳۷۵). *خدا در ناخودآگاه*. مترجم: یزدی، ابراهیم. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

۲۳. قدیری، محمدحسین، و جان بزرگی، مسعود (۱۳۸۸). *تهیه و ساخت آزمون هدف در زندگی با تکیه بر اسلام*. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی*. مؤسسه آموزشی-پژوهشی امام خمینی.

۲۴. کاویانی، محمد (۱۳۹۲). *سبک زندگی اسلامی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۲۵. کجیاف، محمدباقر، سجادیان، پریناز، کاویانی، محمد، و انوری، حسن (۱۳۹۰). رابطه سبک زندگی اسلامی با شادکامی در رضایت دانشجویان شهر اصفهان. *نشریه روان‌شناسی و دین*، ۱۴ (۶)، ۶۱-۷۴.

۲۶. کریمی قدوسی، زینب، و علیزمانی، امیرعباس (۱۳۹۰). بررسی دیدگاه تدوین متز در باب خدا و معنای زندگی و نقد آن از دیدگاه علامه طباطبایی رحمته‌الله علیه. *نشریه فلسفه و کلام اسلامی*، ۱ (۴۴)، ۶۳-۹۲.

۲۷. مسعود، ازهای، جواد، محمدی، و مصیری، فرهاد (۱۳۹۲). رابطه معنای زندگی و خوش‌بینی با بهزیستی ذهنی. *نشریه روان‌شناسی*، ۶۵ (۱۷)، ۳-۱۷.

۲۸. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). *مجموعه آثار*. تهران: انتشارات صدرا.

۲۹. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). *تکامل اجتماعی انسان به ضمیمه هدف زندگی*. تهران: انتشارات صدرا.

۳۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

31. Adler, Alfred . (1956). *The Individual Psychology of Alfred Adler*. New York: Basic

book Inc.

32. Bonebright, C. A., Clay, D. L., & Ankenmann, R.D. (2000). The relationship of workaholism with work-life conflict, life satisfaction, and purpose in life. *Journal of Counseling Psychology*, 47, 469-477.
33. Chamberlain, K., & Zika, S. (1988). Measuring meaning in life: An examination of three scales. *Personality and Individual Differences*, 9, 589-596.
34. Crandall, J. (1975). A scale for social interest. *Journal of Individual Psychology*, 31, 187-195.
35. Crumbaugh, J. (1968). Cross-validation of purpose in Life test. *Journal of Individual Psychology*, 24, 74-81.
36. Debats, D. L., Lubbe, P. M., & Wezman, F. (1993). On the Psychometric Properties of the Life Regard Index (LRI): A measure of meaningful life. *Personality and Individual Differences*, 14, 337-345.
37. Frankl, Victor . E. (1972). *Mans Search For Meaning an introduction to logotherapy*. New York: Pocket Books.
38. Kokkevi, A., & et al (2007). Psychosocial correlates of substance use in adolescence: A cross-national study in six European countries. *Drug and alcohol Dependence*, 1 (86), 67-74.
39. Miller, I. W., Kabacoff, R. I., Keitner, G. I., Epstein, N. B., & Bishop, D. S. (1986). Family functioning in the families of psychiatric patients. *Com Psy*, 27, 302-312.
40. Noriega, M., Gutierrez, G., Mendez, I., & Pulido, M. (2004) Female health workers: lifestyle, work, and psychiatric disorders. *Cadernos de Saude Publica*, 20 (5), 1361-1372.
41. Padelford, B. (1974). Relationship between drug involvement and purpose in life. *Journal of Clinical Psychology*, 30, 303-305.
42. Suwazono, Y., Okubo, Y., Kobayashi, E ., Kido, T., & Nogawa, K. (2003). The influence of total number of favourable working conditions and lifestyle on mental health in Japanese workers in a large company. *Stress and Health*, 2 (19 ), 119-126.
43. Taira, K., Tanaka, H., Arakawa, M., Nagahama, N., Uza, M., & Shirakawa, S. (2002). Sleep health and lifestyle of elderly people in Ogimi, a village of longevity. *Psychiatry Clin Neurosci*, 56 (3), 4-43.